

## مرغ هوس !

چون مرغ هوس از لب هر بام پریدیم !

یک دانه ربودیم و زهر دام پریدیم !

اندیشه نکردیم ز بد عهدی ایام

آرام نشستیم و خوش آرام پریدیم !

روزی دو سه بودیم در این بزم دل انگیز

با حسرت از این کوی دلارام پریدیم!

صیدی نگرفتیم در این بیشه نخجیر

سر در عقب گور، چو بهرام پریدیم!

بی نام در این دام فلک پای نهادیم

بی توشه و نشناخته، گمنام پریدیم !

جامی ز کف ساقی مجلس نستاندیم

چون تشنه لبان خسته و ناکام پریدیم !

تادل هوس عشق نگاری به سرش زد

مرگ آمد و از دفتر ایام پریدیم !

رضا شاپوریان

یکشنبه سی و یکم مای ۱۹۹۸